خبر

بازگشت مومیایی با روکش طلا به خانه

مصر سه اثر باستانی این کشور را به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای بازیابی آثار دزدیده شده یا قاچاق از آلمان بازگرداند.

به گزارش ایسنا، این آثار باستانی شامل جمجمه و دست مومیایی با روکش طلایی است که بیش از ۳۰ سال در موزه هنر هامبورگ به نمایش گذاشته شده بود. قدمت این دو اثر باستانی مصر به بیش از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. علاوه‌بر این، یک طلسم مصری باستان به شکل نماد «عنخ» که قدمت آن به ۶۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد، پس از قاچاق از انگلستان در فرودگاه فرانکفورت ضبط شد.

شریف فتحی، وزیر گردشگری و آثار باستانی مصر از تلاش‌های دولت برای حفظ میراث مصر تشکر کرد و از همکاری مصر و آلمان در مبارزه با قاچاق غیرقانونی آثار باستانی قدردانی کرد.

به گزارش ایجپت دیلی، محمد اسماعیل خالد، دبیر کل شورای عالی آثار باستانی نیز توضیح داد که موزه هامبورگ پیشنهاد بازگرداندن جمجمه و دست مومیایی را داده است. مقامات فرودگاه فرانکفورت هم نماد باستانی عنخ را در یک بازرسی گمرکی کشف کردند.

سال گذشته نیز مقام‌های هلند سه شیء تاریخی مصر را که قاچاق شده بودند، به این کشور استرداد کردند. این اشیاء تاریخی شامل یک مجسمه مخصوص خاکسپاری است به نام «اوشابتی» مربوط به دودمان بیست‌وششم مصر باستان (۶۶۴ پیش از میلاد تا ۵۲۵ پیش از میلاد)، یک نقاشی که «ایزیس» که الهه مصر باستان را به تصویر می‌کشد و زمانی بخشی از یک تابوت‌دان بوده و به دوره رومی مصر تعلق دارد و یک سر مومیایی‌شده متعلق به بازه زمانی ۱۷۰ پیش از میلاد تا ۴۵ پیش از میلاد.

مجسمه نیم‌تنه ۳۴۰۰ ساله فرعون «رامسس دوم» که در اواخر دهه ۱۹۸۰ یا اوایل دهه ۱۹۹۰ به سرقت رفته و به اروپا منتقل شده بود، نیز از جمله مهم‌ترین آثار باستانی استردادی به مصر در مدت اخیر است.

خبر، تحلیل، سرگرمی و کارآمدی

چهار جبهه شکست خورده صدا و سیما

گروه فرهنگ و هنر - به نظر می‌رسد پس لرزه‌های نظرسنجی ایسپا درباره میزان مخاطب سازمان صدا و سیما هم چنان ادامه دارد و مدیران رسانه ملی را وادار کرده تا از خودشان دفاع کنند. همین موضوع هم معاون سازمان صدا و سیما را واداشت تا به تلویزیون بیاید و درباره چرایی تفاوت این سازمان با تلویزیون‌های خارجی مانند ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی توضیح دهد.

شاید کمتر کسی فکر می‌کرد روزی برسد که یکی از مدیران ارشد سازمان صدا و سیما مجبور شود توضیح دهد که چرا این رسانه در مقابله با شبکه‌های فارسی زبان‌خارجی مخاطب خود را از دست داده است

شکست صداوسیما در چهار جبهۀ خبر، تحلیل، سرگرمی و کارآمدی | چرا تلویزیون ملی حتی توان رقابت با پلت‌فرم‌های نمایش فیلم داخلی را ندارد؟

با این دستگاه هزینه فیزیوتراپی نده! دستگاه فیزیوتراپی خانگی ارزان با اثرگذاری بالا(تخفیف ویژه)

به گزارش رویداد۲۴ ، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد روزی برسد که یکی از مدیران ارشد سازمان صدا و سیما مجبور شود توضیح دهد که چرا این رسانه در مقابله با شبکه‌های فارسی زبان‌خارجی مخاطب خود را از دست داده است.

اگر سال‌ها پیش از مدیران رسانه ملی درباره تاثیرگذاری این شبکه‌ها بر روی افکار عمومی سوال می‌کردیم با یک پوزخند از کنار این سوال می‌گذشتند. اما در سال ۱۴۰۳ آش به قدری شور شده که مدیران سازمان خودشان را با آن شبکه‌ها قیاس و تلویحاً شکست‌شان را در حوزه خبررسانی می‌پذیرند. به همین دلیل و به واسطه اظهارات اخیر معاون سیاسی سازمان صدا و سیما نگاهی انداخته‌ایم به دلایل اُفت شدید مخاطب سازمان صدا و سیما.

یک. شکست در جبهه خبر

آمار علم خشک و بی‌رحمی است و برای مخاطبی که به آمار نگاه می‌کند اعداد و ارقام گویای همه چیز است. آمار آخرین نظرسنجی ایسپا به ما می‌گوید تنها ۱۲.۵ درصد مردم اخبار را از سازمان صدا و سیما دریافت می‌کنند. در حالی که در سال ۱۳۹۶، این آمار عدد ۵۱درصد را نشان می‌داد.

اُفت چهل درصدی مخاطبان صدا و سیما نشان می‌دهد که به لحاظ آماری سیاست‌های خبری این سازمان شکست خورده است. اما مدیران ارشد به جای پذیرش شکست خودشان را ملزم می‌دانند درباره ماهیت شبکه‌های خارجی فارسی‌زبان افشاگری کنند. غافل از این که اهداف و دلایل تشکیل آن شبکه‌ها مشخص است. مدیران سازمان صدا و سیما به جای توضیح واضحات بهتر است درباره این موضوع توضیح دهند که چرای علی رغم دریافت بودجه هنگفت مرجعیت خبری از داخل به خارج مرزها انتقال یافته و مردم به جای دریافت خبر از رسانه‌های رسمی تلاش می‌کنند از مبادی غیررسمی اخبار و اطلاعات را دریافت کنند.

حال ممکن است برای مخاطب این سوال پیش بیاید که چرا سازمان صدا و سیما در حوزه تولید خبر و اطلاع رسانی اُفت کرده است؟ دلیل اُفت این سازمان یک دلیل واضح دارد و آن دلیل این است که این سازمان در حوزه تهیه خبر همیشه چند قدم از شبکه‌های فارسی زبان خارج از کشور عقب است.

حتماً خوانندگان عزیز این مقاله خاطرشان هست در روزهای ابتدایی ورود کرونا در ایران که دوران طلایی قرنطینه و جلوگیری از گسترش بیماری به حساب می‌آمد سازمان صدا و سیما مشغول انکار ورود این ویروس به داخل کشور بود و با گرفتن مصاحبه‌های طنزآمیز از مردم می‌کوشید وجود چنین بیماری را از اساس انکار کند. یا همین الان و در اوج جنگ میان رژیم صهیونیستی و محور مقاومت این خبرنگار خانم بی‌بی‌سی است که در دل ماجرا حضور دارد و از وقایع رخ داده در فلسطین و لبنان گزارش تهیه می‌کند. در حالی که سازمان صدا و سیما یا به ساخت برنامه‌های تحلیلی اکتفا می‌کند یا همیشه چند قدم از انتشار اخبار جنگ عقب‌تر از رسانه‌های فارسی زبان خارجی است.

این مثال‌ها نشان می‌دهد سازمان صدا و سیما نیاز به یک بازنگری جدی در حوزه تهیه و تولید خبر دارد تا شاید بتواند مرجعیت خود را یک بار دیگر در حوزه خبررسانی به دست بیاورد. البته شرط این تغییرات پذیرش نیاز به تغییر توسط مدیران ارشد سازمان است که چنین اراده‌ای نزد آن‌ها دیده نمی‌شود.

دو. شکست در جبهه تحلیل

پس از خروج عزت‌الله ضرغامی از سازمان و تهی‌شدن صدا و سیما از مدیران میانه‌رو و حضور چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری در این سازمان نگاه ایدئولوژیک در صدا و سیما بسیار پررنگ شد. نگاهی که راه را فقط در حذف چهره‌های پرطرفدار می‌دید. همین نگاه بسته و محدود به شکل دیگری خودش را در حوزه خبررسانی نشان داده است. خبرها حتماً باید با تحلیلی مشخص که خوشایند نیروهای تندرو داخلی است تفسیر و به سمع و نظر مخاطب برسد. این نگاه بسته و محدود بزرگ‌ترین آسیب را به سازمان صدا و سیما زده است و باعث شده مخاطبین این سازمان محدود به تعداد اندکی از افراد جامعه باقی بماند و نتواند نماینده واقعی تمام مردم ایران باشد.

سه. شکست در جبهه سرگرمی

سازمان صدا و سیما در حوزه سرگرمی سازی هم شکست خورده است. طبق نظرسنجی ایسپا تنها ۱۱.۵درصد مردم فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون را دنبال می‌کنند در حالی که این آمار برای پلتفرم‌های نمایش فیلم داخلی ۱۸.۷درصد است.

نکته جالب توجه این جا است که اکثر برنامه‌های این پلتفرم‌ها را هنرمندانی تولید می‌کنند که از سازمان صدا و سیما رانده شده‌اند. اکثر این هنرمندان مانند مرضیه برومند، عادل فردوسی‌پور، مهران مدیری، احسان علیخانی، کمال تبریزی و... در سال‌های گذشته با این سازمان همکاری کرده بودند.

هم چنان یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های سازمان صدا و سیما، آی‌فیلم است که سریال‌های قدیمی را پخش می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که مردم هنوز آثار هنرمندان طردشده توسط سازمان را دوست دارند و نگاه می‌کنند و اگر مدیران این سازمان نگاه بسته‌ای نداشتند می‌توانستند درصد زیادی از مخاطبین خود را حفظ کنند.

چهار. شکست در جبهه کارآمدی

دلیل دیگری که سازمان صدا و سیما را تبدیل به یک سازمان ناکارآمد کرده است فربگی و عدم چابکی این سازمان است. طبق آمار رسمی سازمان صدا و سیما نزدیک به ۴۸هزار نیرو دارد. این در حالی است که شبکه‌ای مانند فاکس نیوز ۱۳۰۰، سی‌ان‌ان ۴۰۰۰، سی‌سی تی‌وی ۱۰هزار، ان اچ کی ژاپن ۱۰هزار، و بی بی سی ۲۰هزار نیرو دارند. این حجم از نیروی انسانی و بودجه‌ای که صرف سازمان صدا و سیما می‌شود هیچ گاه نتوانسته این سازمان را تبدیل به رسانه‌ای چابک کند که در تهیه فوری خبر و اطلاع‌رسانی دست بالا را داشته باشد. در عوض باعث شده این سازمان تبدیل به سازمانی بوروکراتیک و به شدت بزرگ شود که حتی توانایی اطلاع‌رسانی به موقع را ندارد. به نظر می‌رسد علاوه بر نیاز در بازنگری در حوزه خبررسانی این سازمان در ساختار بروکراتیک خود هم نیاز به اصلاحات اساسی دارد.

اخبار

حال ایرج خواجه امیری خوب است؟

هر از گاهی انتشار شایعاتی درباره وضعیت سلامتی «پهلوان آواز ایران» که اکنون ۹۲ سال سن دارد، خاطر خانواده او را مکدر می‌سازد و این در حالی است که حال این خواننده محبوب خوب است و در بیمارستان بستری نیست.

به گزارش خبرآنلاین، چند روزی است، شایعاتی درباره درگذشت حسین خواجه امیری معروف به «ایرج» در فضای مجازی منتشرمی‌شود و هربار نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند و البته این‌بار طولی نکشید تا نزدیکان «ایرج» این خبر را تکذیب و حتی اعلام کردند افرادی که این نوع از شایعات را پخش می‌کنند، باید پاسخگو باشند.

به گزارش ایسنا، هرچند که این نخستین باری نبود که چنین شایعه‌ای درباره وضعیت سلامتی این هنرمند منتشر می‌شد؛ بلکه پیش‌تر هم در پی این خبرسازی‌ها، فرزند او شایعات را تکذیب کرده بود.

به نظر می‌رسد که با بالا رفتن سن هنرمندان محبوبی همچون ایرج، برخی به واسطه منافع شخصی یا دلایل دیگر، دست به پخش چنین شایعاتی می‌زنند و خاطر خانواده و طرفداران این افراد را مکدر می‌سازند.

در این راستا با عباس عظیمی (مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت) تماس گرفتیم تا حال خواجه امیری را جویا شویم؛ او به ایسنا گفت: روز جمعه ۲۰ مهرماه پس از شایعاتی که درباره فوت ایشان منتشر شد، وضعیت سلامتی استاد را پیگیری کردیم که خانواده ایشان به ما اطلاع دادند که حالشان خوب است و هیچ مشکلی ندارند، همچنین در بیمارستان هم بستری نیستند.

معرفی هیات انتخاب چهاردهمین جشنواره فیلم‌های ورزشی ایران

با پایان کار هیات انتخاب چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی ایران ۸۵ اثر ایرانی به مرحله داوری راه یافتند.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی جشنواره، پس از بازبینی ۲۶۰ اثر ایرانی در ۷ بخش سینمایی، داستانی کوتاه و بلند، مستند کوتاه و بلند، نماهنگ و پویانمایی ۸۵ اثر به مرحله داوری راه یافتند.

در هیات انتخاب جشنواره که جلسات آن به ریاست علی رویین تن (کارگردان سینما و رئیس هیات انتخاب و داوری جشنواره) برگزار شد، محسن علی اکبری (تهیه‌کننده سینما)، بهمن حبشی (مدیر فرهنگی و سینمایی)، فیروز دولت‌آبادی (استاد دانشگاه و دیپلمات سابق)، امیر تاجیک (مستندساز و مدیر اسبق شبکه مستند سیما)، محمد طیب (تهیه‌کننده و مشاور بین‌الملل سینما)، محمودرضا رضایی (مستندساز ورزشی)، علیرضا مجمع (روزنامه نگار و منتقد سینما) و رضامیرمحرابی (پژوهشگر رسانه و سینما) حضور دارند.

بر اساس این گزارش، طی یک ماه بازبینی هیات انتخاب ۷ فیلم در بخش سینمایی، ۱۶ اثر در بخش نماهنگ و تیزر، ۹ اثر در بخش پویانمایی (انیمیشن) و ۸ اثر در بخش داستانی کوتاه به بخش مسابقه راه یافتند.

آنچه این جشنواره را متمایز از دوره‌های گذشته کرد ارسال بیش از ۱۲۰ اثر در بخش مستند کوتاه و بلند بود که از لحاظ کمی رشد بیش از ۳۰ درصدی نسبت به دوره گذشته نشان می‌داد که این توجه ویژه به مستند ورزشی سرفصل جدیدی در ساخت آثار ورزشی به شمار می‌آید به طوری که ۲۴ مستند کوتاه و ۲۱ مستند بلند به بخش نهایی داوری راه یافتند.

بر اساس این گزارش، در این دوره حدود ۶۳۰ اثر از ایران و ۷۲ کشور آثار خود را برای حضور در جشنواره ثبت کرده اند که اسامی آثار راه یافته به بخش مسابقه در بخش ملی و بین الملل به زودی اطلاع رسانی خواهد شد.

چهاردهمین دوره جشنواره بین المللی فیلم‌های ورزشی ایران در تاریخ ۶ آذر سال جاری با نمایش فیلم‌های منتخب در سینما فلسطین آغاز و اختتامیه آن جمعه ۹ آذر برگزار می‌شود.

نگاهی به موسیقی دهه ۳۰ و ۴۰ به بهانه درگذشت امین الله رشیدی

موسیقی با خوش‌آمد و یا نفی حاکمان تعریف می‌شد

موسیقی در ایران در طول سده‌های مختلف و با تغییر حکومت‌ها همواره دستخوش تغییر بوده و به عبارت دیگر موسیقی هنری زیرزمینی است که بنابر خوش‌آمد و یا نفی آن از سوی حاکمان تعبیر و تعریف شده و جریان‌های سیاسی در برهه‌های مختلف زمانی در سیاستگذاری‌های این هنر بی تاثیر نبوده است که از مهمترین رخدادهای مربوط به موسیقی مربوط به دوران مشروطه و نهضت ملّی شدن صنعت نفت می‌شود که از عارف قزوینی و کلنل علی‌نقی وزیری تا کورس سرهنگ زاده، دلکش، داریوش رفیعی و دیگران را در برمی گیرد.

به گزارش خبرآنلاین، دوران ناصری و سال‌های پیش از مشروطه، سرآغاز تحولات نوین در موسیقی ایران است و عارف قزوینی که در آن سال‌ها ۲۳ سال سن داشت با سرودن غزل‌های وطن‌دوستانه به شوریده‌ترین شاعر دوران مشروطه و آزادی‌خواه تبدیل شد که تصنیف «از خون جوانان وطن» معروف‌ترین و تاثیرگذارترین غزل او است که در دهه‌ها و یا حتی قرن‌ها پس از سروده شدن‌اش در هر دوره ای به انحای مختلف اجرا شده است.

عارف قزوینی منتقد کلنل علی‌نقی وزیری شد

کلنل علی‌نقی وزیری اما جنس دیگری از موسیقی را تجربه کرد او از پیشگامان آهنگسازی برای اجرای ارکستر موسیقی ایرانی بود که با ایجاد روشی نوین برای نت‌نویسی و شیوه تدوین ردیف تاثیرات بسیاری بر موسیقی سنتی ایران گذاشت. اما تلاش‌های کلنل وزیری برای آموزش موسیقی به سبک متاثر از موسیقی کلاسیک مورد نقد برخی موسیقی‌دان‌های آن دوران قرار گرفت که عارف قزوینی یکی از منتقدان جدی او بود.

اما یکی از فعالیت‌های جدی وزیری ساخت سرودهایی از جنس ملّی و میهنی بود که در دوران گذار بسیار تاثیرگذار بود که سرودهایی چون «ای وطن»، «پاینده ایران»، «مهرایران»، «خاک ایران» از جمله آثار او است.

بعد از به قدرت رسیدن رضاخان قزاق و آغاز حکومت پهلوی جنس استفاده از موسیقی به نوعی تغییر کرد و علاوه بر موسیقی درباری که یادگار دوران قاجار بود، موسیقی سنتی نیز رشد کرد و نوع دیگر از موسیقی اعتراض گونه در قالب موسیقی پاپ درنیمه دوم دهه ۴۰ شکل گرفت که می توان به خوانندگانی چون فرهاد مهراد و فریدون فروغی اشاره کرد.

برنامه گل‌ها، عصر طلایی موسیقی سنتی ایران

در اواسط دهه ۱۳۳۰ به همت داود پیرنیا، فرزند مشیرالدوله، برنامه ای ماندگار در موسیقی سنتی در رادیو آغاز شد این برنامه شامل مجموعه ای از «گل های جاویدان»، «گل های رنگارنگ»، «برگ سبز»، «شاخه گل»، «گل های صحرایی» و «گل های تازه» بود. این برنامه نقش مهمی در حفظ و اشاعه موسیقی سنتی و ردیف دستگاهی ایران داشته است که می‌توان از آن به عنوان عصر طلایی موسیقی سنتی ایران یاد کرد.

در این برنامه از توانایی ها و ظرفیت های موسیقی سنتی با آهنگسازی دُردانه های موسیقی ایران بهره برده شد و اهنگسازانی چون شیدا، عارف، غلامحسین درویش، جهانگیر مراد(حسام السلطنه)، علینقی وزیری، روح الله خالقی، مرتضی محجوبی، رضا محجوبی، مرتضی نی‌داود، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، جواد معروفی، رکن الدین مختاری، شکری قهرمانی، مهدی خالدی، علی تجویدی، پرویز یاحقی، حبیب الله بدیعی، محمود ذوالفنون، جواد بدیع زاده، ابراهیم منصوری، همایون خرم، سیروس ساغری، حسین یاحقی، فریدون حافظی، اسدالله ملک، لطف الله مجد، و میلاد کیایی در شکل‌گیری آن نقش داشتند.

موسیقی با خوش‌آمد و یا نفی حاکمان تعریف می‌شد/ مشروطه و نهضت ملّی شدن جریان‌های تاثیرگذار در موسیقی/ امین الله رشیدی تنها بازمانده موسیقی دهه ۴۰

برنامه گل ها نام بسیاری از شاعران کلاسیک و عارف مسلک ایرانی مانند خواجوی کرمانی و عراقی را زنده نگه داشت و البته یکی از مهمترین دستاوردهای این برنامه میدان دادن به آواز بانوان بود که صدای پریسا، دلکش، پوران، عهدیه و دیگر بانوان بعدها با ساخت موسیقی‌های واروژان خوانندگان زن موسیقی پاپ نیز پا به عرصه موسیقی ایران گذاشتند.

و اما «مرا ببوس»

مرا ببوس نام تصنیفی با شعری از حیدر رقابی و آهنگی از مجید وفادار است که ابتدا در سال ۱۳۲۹ توسط خواننده‌ای قشقائی به اسم بتول رضایی با نام هنری «پروانه» اجرا شد و بعد از ۲۸ مرداد با بازخوانی حسن گل‌نراقی از رادیو پخش، معروف و جاودانه شد.

موسیقی با خوش‌آمد و یا نفی حاکمان تعریف می‌شد/ مشروطه و نهضت ملّی شدن جریان‌های تاثیرگذار در موسیقی/ امین الله رشیدی تنها بازمانده موسیقی دهه ۴۰

علی شیرازی پژوهشگر موسیقی با بیان این مطلب که ریشه تغییردر سبک موسیقی ایران در دوران مشروطه با تصنیف‌های عارف قزوینی و نگاه کلاسیک علی نقی وزیری شکل گرفته است و به بعد واقعه ۲۸ مرداد رسیده است؛ گفت: فضای قالب تاریخی بعد از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دچار رخوت شده بود وازآنجائیکه هنرمندان در زمینه‌های مختلف هنری از جمله تئاتر، سینما و موسیقی در بزنگاه‌های تاریخی کنار جامعه می‌ایستند، هنر موسیقی هم به میدان آمد و موسیقی‌های ماندگاری در دهه ۳۰ و ۴۰ شکل گرفت. بنابراین با توجه به این موضوع که فضا در آن روزگار غم‌زده بود ترانه‌ها هم به همان صورت همراه با یاس و عاشقانه بود. به عنوان مثال می‌توان به خوانندگانی چون داریوش رفیعی، الهه، منوچهرهمایون، ایرج، کوروس سرهنگ‌زاده وغیره اشاره کرد.

این منتقد در پاسخ به این سئوال که کارکرد این نوع از موسیقی در ایرانِ آن روزگار به چه صورتی بوده است؛ اظهار داشت: ردیف دوره قاجار توسط کلنل وزیری، روح الله خالقی و ابوالحسن خان صبا به خط نُت درآمد و با تاسیس رادیو در سال ۱۳۱۹ آن نوع از موسیقی که در دستگاه سلطنت بود به مدرن شدن میل پیدا کرد.

نیمه دوم دهه ۴۰ موسیقی با واروژان پوست انداخت

حسین عصاران نویسنده کتابی با عنوان «واروژان» او را آغازگر فصل نوینی از موسیقی در ایران می داند که توانست از نیمه دوم دهه ۴۰ تا هفت سال دهه ۵۰ نوع و ذائقه موسیقایی را تغییر دهد در واقع موسیقی در این ایام با واروژان پوست انداخت.

عصاران در گفتگویی که با خبرگزاری «ایبنا» انجام داده بود؛ نقش واروژان را در تنظیم موسیقی ترانه غیرقابل انکارعنوان کرده و گفت: «نقش واروژان در تاثیری که در تنظیم موسیقی ترانه داشته، غیرقابل انکار است؛ اما در زمینه آهنگسازی برای ترانه با اینکه کارنامه بسیار پرباری دارد ولی جایگاه انحصاری ندارد. در توضیح محور سوم نیز باید بگویم که کارنامه واروژان در زمینه موسیقی فیلم در تراز تنظیم موسیقی ترانه و آهنگسازی برای آن نبوده است.»

نخواستند و یا نشد که رشیدی موسیقی دهه ۳۰ و ۴۰ عرضه کند

امین الله رشیدی تنها بازمانده هنرمندان موسیقی دهه ۳۰ و ۴۰ است که می توانست دامنه موسیقی آن دوران را به عنوان یک دستاورد هنری عرضه کند که نشد یا نخواستند که بشود.

موسیقی با خوش‌آمد و یا نفی حاکمان تعریف می‌شد/ مشروطه و نهضت ملّی شدن جریان‌های تاثیرگذار در موسیقی/ امین الله رشیدی تنها بازمانده موسیقی دهه ۴۰

علی شیرازی پژوهشگر موسیقی ایران در بخش دیگر از صحبت‌های خود با بیان این مطلب ک امین الله رشیدی تصنیف‌خوان خوبی بوده است؛ گفت: رشیدی در دوره خود طرفداران خاص خودش را داشته است ولی با اینکه در دوران انقلاب فعالیت سیاسی نداشت ولی بعد از انقلاب هم نتوانست کار کند تا اینکه بعد از دوره خاتمی روزنه‌ای باز شد و به دلیل اینکه خاطره‌ای از فعالیت‌های سیاسی رشیدی پیدا نکردند عاقبت به او مجوز دادند.

شیرازی خاطرنشان کرد: موسیقی و آوازی که رشیدی می خواند بوی ایام قدیم را می داد که به شکل تصنیف گونه و شاعرانه می خواند و توانست در دوره‌ای مردم را در نیمه دوم دهه ۷۰ و دهه ۸۰ با خود همراه کند.

مرضیه‌برومند:

خلف وعده‌های فرهنگی روسیه با ایران پذیرفتنی نیست

مرضیه برومند داور بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر خیابانی مریوان گفت: شرایط خاورمیانه به گونه‌ای است که برخی گروه‌ها منصرف می‌شوند اما به کشور دوست و برادر روسیه برای نیامدن به ایران حق نمی‌دهم.

مرضیه برومند داور بخش بین‌الملل هفدهمین جشنواره تئاتر خیابانی مریوان در گفت و گو با خبرنگار گروه فرهنگ و هنر برنا درباره این رویداد گفت: زمانی که دبیر جشنواره تئاتر عروسکی را برعهده داشتم همواره در جریان جشنواره تئاتر خیابانی مریوان بودم و از دوستان و همکارانم شنیده بودم که مردم مریوان چقدر غیرت و علاقه نسبت به این جشنواره دارند ولی واقعا نمیدانستم که به مردم این میزان از جشنواره تئاتر خیابانی استقبال می‌کنند.

وی افزود: من تقریبا تمام ایران را دیده‌ام اما تا به حال به مریوان نیامده بودم، دریاچه زریبار خیلی به روحیه مردم این خطه کمک کرده است. خوشحالم تئاتر فرصتی را ایجاد کرد تا تا کنارشان باشم.

کارگردان «مدرسه موش‌ها» با بیان اینکه جشنواره تئاتر خیابانی مریوان با گذشت زمان به سمت ثبات و ارتقا پیش رفته است، گفت: این جشنواره به خوبی برگزار می‌شود و انتظارات را برآورده می‌کند، البته ممکن است کاستی‌هایی به دلیل زیرساخت‌ها وجود داشته باشد.

برومند افزود: با اینکه شهرهای کوچک مشکلات مالی دارند، اما توانسته‌اند چند مکان مخصوص و مناسب برای اجرای تئاتر خیابانی درست کنند. شهرهای دیگر باید از مریوان یاد بگیرند. حضور تئاتر در کنار مردم و در کنار دریاچه زریوار مریوان کمک زیادی به رشد تئاتر می‌کند.

وی همچنین اظهار داشت: تئاتر خیابانی با ارتباط نزدیک‌تر با مردم، فرصت می‌دهد تا احساسات خود را بروز دهند و با هم بخندند،اشک بریزند و ترانه بخوانند. این تعاملات به تقویت روحیه جمعی مردم کمک می‌کند و اگر این اتفاق در تهران هم می‌افتاد، همه با هر اندیشه‌ای می‌توانستند تماشا کنند.

برومند تأکید کرد: ما نیاز به رویدادهای جمعی داریم که مردم را شاد کنند، امید به آینده بدهند و حرف‌های خوبی به آن‌ها بزنند. تجربه من از جشنواره عروسکی نشان داد که چنین رویدادهایی می‌توانند مردم را کنار هم جمع کنند و شادی و نشاط را به جامعه بیاورند.

وی در پاسخ به سوالی مبنی اینکه با وجود اقداماتی که در دولت در حوزه دیپلماسی فرهنگی همچنان جشنوارهای تئاتری در بزنگاه شاهد انصراف گروه‌های بین‌المللی هستند بنابراین در وزارت امورخارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی چه اقداماتی باید صورتگیرد، گفت: اقداماتی ما بین اعضای گروه بریکس برای تبادل فرهنگی صورت گرفته است اما اینکه در چه خصوص است یا اینکه کدامنهاد مسئول برنامه ریزی یا بخش اجرایی را دار هنوز مشخص نیست. اساسا اقداماتی که در حوزه بین الملل جشنواره های هنری بهخصوص تئاتر رخ می‌دهد ماه عسل تلاش فردی هنرمندان است و اساسا مسئولان گام های موثری برنمیدارند اما آنچه مشهود استاینکه به هر جهت شرایط خاورمیانه متفاوت شده است بنابراین باید حق داد به برخی گروه‌ها برای نیامدن به جشنواره؛ اما من بهگروه‌هایی که از کشور دوست و برادر روسیه وعده آمدن میدهند اما نمی‌آیند به ایران حق نمی‌دهم. زیرا تا یک اتفاق می‌افتد می‌گویندنمی‌آییم. زمانی که دبیر جشنواره تئاتر عروسکی بودم همزمان ماجرای برخورد ترامپ با برجام پیش آمد؛ ناگهان گروه‌های روسی بهانهآلودگی هوای تهران را آوردند و نیامدند. اما به هر جهت نیاز داریم تا در بخش فرهنگی در حوزه بین‌الملل برنامه ریزی و برقراری ارتباطات ماندگار ایجاد کنیم.